

عاشقانه ترین فیلم سال

رضا؛ یک عاشقانه خوش‌رنگ و آرام



ایمان عبدلی

ما با رضا در خانه‌اش پرسه می‌زنیم؛ خانه‌ای با کسوسوار سنتی، از رنگ‌مبلمان تا گلدان‌های حیاط و دیوار آویزهای نمادین و البته بسا کارکرد مدرن. یعنی آسب‌خانه اوین نیست؛ اما یخچال از نوع پست مدرن و مینی مال آن است. خانه مبله است، اما کارکرد میز عسلی فراتر از یک کارکردن مال است و در سکاسی فاطمی و رضاحتی روی آن ناهار می‌خورند. این سبک تلفیقی معماری و اکسسوار در منزل رضا، هوشمندانه است و منطبق بر نگاه رایج طبقه متوسط به پدیده‌های مختلف، مثل نگاهی که مثلاً به موسیقی وجود دارد. این سال‌ها موسیقی فیوژن محبوبیت زیادی داشته، یعنی مخاطب هم شعر کلاسیک حافظ و سعدی را می‌خواهد و هم سولوی گیتار را.

اما مکان هادر «رضا» بیشتر از این‌ها سهم‌دارند. رضا در مسجدهای با معماری صوفیه می‌بینیم و آن اتنا و گنبد‌های فیروز‌های که در اصفهان فراوان وجود دارد، او به طور واضحی یک روشنفکر است. مجله فیلم می‌خواند، قهوه و اسپرسو و سیگار و شلوار چین و اصلا لختی مستتر در تک‌تک رفتارهایش

بروز‌های نمادین از جایگاه و تپ اجتماعی‌اش است، اما توامان به مسجد می‌رود و حتی پای مولودی خوانی در باره حضرت علی (ع) می‌نشیند. دوربین در دوسه‌باری که رضا در اماکن مذهبی می‌بینیم، در لانگ‌شات قرار دارد و کاراکتر به نوعی در آغوش مکان است. بنوعی غیرمستقیم کارگردانی صحنه‌ها بر دربرگیرندگی و پناه‌وار بودن مذهب تاکید دارد.

رضالبت کافه‌نشین هم هست، شبی که او به کافه بولت می‌رود، رفتار دوربین و پالت رنگی به کار رفته اساساً جنسی دیگر است. طیف‌هایی از رنگ‌های گرم، نظیر زرد و قرمز در همنشینی با بولت موج می‌زند. نوعی تاکید دوجانبه بر «کافه» به عنوان محلی برای همنشینی آدم‌ها و اغواگری «بولت» به عنوان یک جانشین موقتی برای «فاطمی»، که همه از کارگردانی حساب شده علیرضا معدمدی ست. حتی در سکاسس ماهیگیری و کنار رودخانه نشستن رضا و بولت طیف‌های رنگی تاکید بر هیجان‌زدگی این ارتباط دارد و این در انسجام کامل معنایی با مضمون مورد نظر فیلمنامه دارد.

حالا به سکاسس‌هایی که رضا و دختر عمه‌اش حوض دارند، توجه کنید؛ او را یاد خنتر عمه‌اش در حال خرید «سیر» می‌بینیم و بعدتر در حیاط خانه عمه در حال گفتگو درباره گذشته‌ها و آن مذهبی می‌بینیم، در کادری که متقارن نیست و نیمه بالایی آن سهم زیادی از قاب دارد. شاید تاکید بر بعد ذهنی رضا که بر بعد عینی‌اش غلبه کرده و به زبان ساده‌تر بر فکر و خیال‌هایی که او را مفلوک کرده و توانایی تصمیم درست را از او سلب کرده و او را به سمت یک انفعال کشنده سوق داده؛ بعدتر رضا و فاطمی را در یک قاب مدیوم می‌بینیم در دادگاه، دادگاهی خلاف تمام دادگاه‌های عصبی این سال‌ها سینمای ایران، کاملاً فرامیشتی (از لحاظ جایگاه، روایی) و تا حدی معذب. چندباری آن‌ها را در خانه‌رضای می‌بینیم، موقعیت‌هایی بیاتر که هوشمندانه، یک‌بار فاطمی منزل رضا را برای یک استراحت‌گاه موقتی انتخاب می‌کند و سر ظهر به خانه‌او می‌آید. رضا، قرار بوده میزبان و بولت باشد اما فاطمی از سر می‌رسد. توصیف رابطه در این سکاسس بیاتر نوعی خواستن و نخواستن توامان است؛ زوجی که ظاهر جادشاندند و در واقع جداننده‌اند. شکل دیالوگ‌ها که تسلط دو نفر را روی همدیگر نشان می‌دهد و البته تسلطی که آمیخته با نوعی تعارف است. یک آتمسفر عاشقانه کم‌نظیر و بسیار واقعی را تصویر می‌کند. اینجاد واقع‌فیلمسازان گسست به وصل می‌رسد و شرح‌هجران قبل وصال نیست؛ نظر گاه «رضا» عجیب است و عادت داریم درباره رابطه‌ای قبل وصال ببینیم، بشنویم و یا بخوانیم، اینجاد و نفر در وصل

پرده نقره‌ای

مسعود کیمیایی با «خائن کشی» در جشنواره فیلم فجر



پیش تولید فیلم سینمایی «خائن کشی» به کارگردانی مسعود کیمیایی و تهیه‌کنندگی علی اوجی آغاز شد. به گزارش خبرآنلاین مسعود کیمیایی در سی‌امین ساخته خود، زندگی مهدی بلیغ، مشهورترین سارق و کلاهبردار ایرانی را به تصویر می‌کشد. بلیغ، معروف‌ترین خلافکار تهران بود که حتی کاخ دادگستری تهران را هم فروخت. امیر آقایی که سال گذشته موفق به کسب سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر به خاطر فیلم «شنای پروانه» شد، نخستین بازیگری است که حضورش در «خائن کشی» قطعی شده تا برای اولین بار جلوی دوربین آقای کیمیایی برود. مسعود کیمیایی سال گذشته فیلم «خون شد» را در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به روی پرده برد.

شوتبال به شبکه نسیم باز می‌گردد



نیم‌نوربخش - تولید سری جدید مسابقه تلویزیونی «شوتبال» بزودی از شبکه نسیم آغاز می‌شود. «شوتبال» که در دو فصل گذشته خود با تهیه‌کنندگی مشترک مقصد مومن‌نژاد و مسعود رجیبیان و تدوینگری کاوه سخنگو جزو پر بیننده‌ترین برنامه‌های صداوسیما طی بهار و تابستان امسال بود تجربه متفاوتی را با حضور خانم‌ها در یک مسابقه تلویزیونی روی آنتن برده است.

در همین ارتباط سرپرست تیم تدوین این برنامه تلویزیونی به «توسعه ایرانی» گفت: «همانطور که می‌دانید تولید برنامه‌هایی در ژانر مسابقه برای تلویزیون یکی از سخت‌ترین ژانرها در حوزه برنامه‌سازی است، چرا که هم باید آیت‌های رقابتی خاصی را تعریف کنید که برای مخاطب جذاب باشد و هم باید از نظر فرم و اجرا چنان منسجم باشد که استانداردهای زیباشناسی را هم رعایت کند.»

کاوه سخنگو پیرامون حضورش به عنوان سرپرست گروه تدوین در این برنامه گفت: «به واسطه دوستی و آشنایی با سازندگان این برنامه و حضورم در تیم تدوین فصل نخست، فرصتی فراهم شد تا طی این مدت تجربیات مشترک مثبتی را در حوزه برنامه‌سازی در کنار تیم قدرتمند این برنامه تجربه کنم که خداروشکر با تلاش‌های شبانه‌روزی تیم تدوین و تشویق‌های همکاران و مدیران شبکه از این مهم سر بلند بیرون آمدیم.»

وی درباره سختی‌های کار تدوین شوتبال گفت: «در مسابقات تلویزیونی صحنه‌های زیادی وجود دارند که طبیعتاً برنامه‌ریزی نشده‌اند. اما تیم فنی و محتوایی و مجریان ما از مجموعه برنامه‌سازان موفق تلویزیون هستند و این عامل موفقیت شوتبال است. ضمن اینکه خوشبختانه در حوزه تدوین سرپرستی گروهی را برعهده دارم که طی فصل‌های پیشین با همدلی و همکاری تیمی گاه روزهای پیاپی دور از خانواده مشغول تدوین قسمت‌های مختلف شوتبال می‌شدند که جا دارد از همه این عزیزان با افتخار تشکر کنم.»



به او می‌دهد. «رگ خواب» یکی از عاشقانه‌های استخوان‌دار این سال‌ها سینمای ایران بود و اصلانی توان این کار شاخص را بدون او تصور کرد. «لیلا حاتمی» در نقش مینای بی‌الایش «رگ خواب» درخشید.

بمب یک عاشقانه
در میانه سال‌های جنگ و درواچ بمباران‌های تهران، روزگار با بیم و ترس می‌گذرد. اما عشق و دل‌دادگی و زندگی و امید، هراس ملموس مرگ را به فراموشی می‌سپارد؛ رفتگان در کلمات زندگان تکرار می‌شوند. فیلم «بمب یک عاشقانه» دومین تجربه‌ی «پیمان معادی» در مقام کارگردان است. این فیلم اثری عاشقانه در خلال سال‌های جنگ ایران و عراق و بمباران تهران است. «لیلا حاتمی» در نقش میتر معلم زبان انگلیسی است که با بحران در زندگی زناشویی مواجه شده است.

رگ خواب
«رگ خواب» دومین تجربه موفق «لیلا حاتمی» و «حمید نعمت‌الله» است. مینا بعد از جدایی از همسرش به دنبال شغل و محل اسکانی می‌گردد. در این مسیر با کارمندان مدیر استروانی که در آن کار می‌کند آشنا می‌شود. کارمندان سرپناهی

«لیلا حاتمی» و «رسول صدرعاملی» است. عطیه نویسنده و مجری یک برنامه خانوادگی را دیوایست. او هر روز به سؤالات شونده‌گان این برنامه پاسخ می‌دهد و به آن‌ها توصیه می‌کند با همسرشان چگونه باشند تا زندگی زناشویی بهتری داشته باشند. لیلا حاتمی در نقش عطیه، بی‌باوری و گمشدگی یک عاشق را با ظرافت به تصویر می‌کشد.

بی‌پولی
«بی پولی» اولین همکاری مشترک «لیلا حاتمی» و «حمید نعمت‌الله» است. فیلم روایت بی‌پولی یک طراح لباس است که بعد از ازدواج بی‌کار می‌شود ولی نمی‌خواهد همسرش و دیگران بفهمند و سعی می‌کند همیشه خودش را به همه پولدار نشان دهد و این موضوع فضای پاپیچیده تر می‌کند. لیلا حاتمی در نقش شوکه بر خلاف بازی‌های دیگرش که اغلب درونی هستند، شکل بیرونی پیدا کرده است.

پرسه در مه
«پرسه در مه» دومین تجربه سینمایی «بهرام توکلی»، پس از فیلم تحسین شده «پارهنه در بهشت» است. امین آهنگ‌ساز و نوازنده پیانو است، پس از ازدواج با رویا بازرگان، با مشکلات زیادی روبرو می‌شود که زندگی آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد تا جایی که کارش را رها کرده، همسرش را نیز از دست می‌دهد... لیلا حاتمی در نقش رویا با سکوت‌هایش و صبر و تحمل در برابر مشکلات، عاشقی دیگری به تصویر می‌کشد.

به بهانه تولد لیلا حاتمی

لیلا بانو آکتور سینما

لیلا حاتمی متولد مهر ۱۳۵۱ است، به همین بهانه، مروری کرده‌ایم بر نقش‌هایی که او را در قامت یک معشوقه نشان داده است.

لیلا
«لیلا» اولین تجربه همکاری «لیلا حاتمی» و «داریوش مهرجویی» است. لیلا و رضا در یک مراسم شله‌زرد پزآن همدیگر را می‌بینند و چندی بعد با هم ازدواج می‌کنند. آن دو، بعد از مدتی زندگی متوجه می‌شوند که لیلا نمی‌تواند فرزندى به دنیا بیاورد. چه کسی می‌توانست «لیلا» را جز خود «لیلا حاتمی» این‌طور فراموش‌نشده‌ی بازی کند؟ بازی‌اش در «لیلا» مصادف شد با از دست دادن پدرش. شاید آن غم نهفته در چشم‌هایش در صحنه‌های غم‌انگیز بدرقه شوهر برای خواستگاری از زن دوم به فقدان پدر برمی‌گشت.

شیدا
«شیدا» فیلمی به کارگردانی «کمال تبریزی» است. فرهاد که در جنگ مجروح شده و موقتاً بینایی‌اش را از دست داده، به بیمارستانی صحرایی منتقل شده که در آن پرستاری به نام شیدا از مشاهده مقاومت فرهاد در تحمل درد شگفت‌زده می‌شود و به تدریج می‌فهمد که می‌تواند با تلاوت قرآن، التیام‌بخش او باشد. «لیلا حاتمی» در نقش

آب و آتش
«آب و آتش» اولین همکاری «فریدون جیرانی» با «لیلا حاتمی» است. علی، بعد از جر و بحث با مهرانگیز همسرش، از منزل خارج شده و در خیابان‌ها پرسه می‌زند. اتفاقی زنی به نام مریم را می‌بیند... «لیلا حاتمی» در نقش مریم شوکوهی یک عاشق در مانده را خلق می‌کند. او در این فیلم یکی از متفاوت‌ترین نقش‌های خود را ایفا می‌کند.

ارتفاع پست
«ارتفاع پست» دوازدهمین فیلم «بهرام اصغر فرهادی» است. قاسم، جنگ زده‌ای است که در اثر مشکلات مالی تصمیم می‌گیرد بار بودن هواپیمای مقصد بندرعباس آن را به دومی هدایت کند. او همسر باردار و پسر معلول خود، خواهر و برادرش را نیز همراه کرده است. «لیلا حاتمی» نقش نرس یک زن جنوبی که تا آخرین لحظه پای همسرش می‌ایستد را باورپذیر و درخشان ایفا می‌کند.

هر شب تنهایی
«هر شب تنهایی» تنها همکاری مشترک